

به نام خدوبنام پایدگی ایــــران .

امروزی خواهم پیرامون ارتش ، نهادی که حافظ استقلال وهمبستگی ملی
است سخن بگویم .

دره نظام ملی و در نظام جمهوری اسلامی ایران کاربرد ارتش روشن است. ارتش
نهادی است برای دفاع از استقلال و آزادی های کشور . برای دفاع از تمامیت ارضی .
در گذشته ارتش چنین نبوده است ، ارتش ما از آغاز با شکلی ساخته شده بود که بیشتر
به دفاع از یک فرد و نظامی که آن شخص در بالای هرم آن قرار داشت می پرداخت
ارتش در گذشته با ضابطه هایی نادرست و برپایه روابطی خاص که در آخر بتواند به
میل حکومت گران به هرسو کشیده شود ساخته شده بود ، ارتش را از آغاز فقط برای
شناگویی از یک فرد می ساختند تا به هنگام ضرورت دفاع کننده از آن فرد باشد و در نتیجه
باید که آنرا به اطاعت کورکورانه عادت می دادند ، به همین دلیل است که می بینیم
ارتش ما در نظام سلطنتی هرگاه بایک درگیری ملی روبرو شد از خود ناتوانی نشان
داد .

سوم شهریور (۱۳۲۰) نمونه باززی است که ارتش را برای دفاع از ملت و دفاع
از این مرز و بوم نساخته بودند . اشتباه نشود ، این که ارتش بد ساخته شده بود دلیل
آن نیست که ارتشیان بد بودند . مادر همین ارتش با همان ساخت و همان شیوه غلط
و رابطه غلطی که بر آن حاکم بود ، بسیاری از فرزندان میهن دوست و شایسته ایران را
داشتیم . در طی سالهای دراز حکومت پهلوی ها چه بسیار افسران ، درجه داران
داران سربازانی که وظیفه خود را در نگهداری از نظام حکومتی نمی دیدند و هرگاه
فرصت می یافتند فداکاریهای خود را در راه میهن نشان می دادند . در همان سوم شهریور
بودند کسانی که تا پای جان در برابر نیروی های اشغالگر به زغم دستور ترک ایستادگی
فرماندهان ، پایداری کردند و شربت شهادت نوشیدند و از همان آغاز در همین ارتش
کسانی بودند که دست بکوشهای بسیاری برای واژگونی نظام حاکم زدند و بسیاری از آنها
جان بر این باختند و بسیاری دیگر از ارتش بیرون رانده شدند نمی خواهم این نمونه
های برجسته را یکایک نام ببرم ولی این نمونه ها در ارتش حتی در نظام گذشته بسیار
بوده است ، اما صحت ادعایم بر اینکه ارتش در گذشته به رغم فرزندان میهن دوست
و آرمانخواه مردم ایران که به آن می پیوستند در کاربرد غلط با رابطه ای غلط
ساخته شده بود ، شکل برخورد های آن در زمان حرکت های انقلابی مردم بود ، فرماندهان
وسطح های بالائی ، سطح هایی که روش گزینی میکردند تا لحظه های آخر در برابر مردم -
ایستادگی کردند و فرصت دادند تا از آنها به عنوان وسیله ای برای سرکوب مردم و آرمان
های مردم استفاده شود ، اما در کنار این حقیقت ، حقیقت دیگری هم وجود داشت . آنجا
که سربازان ، درجه داران و افسران بسیاری از شلیک به سوی مردم خودداری میکردند ،
در هر فرصت آغوش به روی مردم می گشودند و چه بسیاری مردم غرقه به خونی که این فرزندان
عزیز خود را که بسوی مردم تیراندازی نکند ، در آغوش میکشیدند و آنها را گلباران -
میکردند و سرانجام ذات مردمی این ارتش فرصت داد ، هنگامیکه موج ایمان از میان
مردم به درون آنها راه یافت همه چیز دگرگون شود . شاید بسیاری باشند که تصور کنند
آن ارتش نمی توانست دیگر در برابر مردم ایستادگی کند این یک اشتباهه محض است

ارتش از چنان قدرت آتشی برخوردار بود که اگر می خواست دهها هزار و شاید صدها هزار فرزند دیگر ایران شهید میشدند ، بی آنکه انقلاب ما سرانجام درستی گرفته باشد ، پس در پرتو وجود اعتقاد به ایران ، اعتقاد به ملت ایران و وجود زمینه های درست ایمانی در بر خورده با مردم سرانجام ارتش از پیروی فرماندهان خود فروخته و ناداتوان سربلجیده و به مردم پیوست و پیروزی مادر لحظه های آخربا قرار گرفتن بسیاری از سربازان ، درجه داران و افسران و به ویژه بخشی از نیروها به مردم شکل گرفت ، به همین دلیل هم رهبران انقلاب و آنها که به جدول ارزشهای انقلاب آگاهی کافی دارند ، آنها که به ایران و آینده ایران می اندیشیدند ، آنها که در صدد ساختن آینده میهن بودند از همان روز نخست لزوم بقای ارتش ، بازسازی ارتش و نیرومند بودن آن را به عنوان یک نهاد پاسدار انقلاب اسلامی ملت ایران پذیرا شدند گرچه در بین ارتشیان بودند کسانی که به آن نظام پوسیده دل بستگی داشتند اما بخش عمده آن با ملت و از آن - ملت بودند ، و آماده خدمتگزاری در راه ملت ، با اینهمه کسانی که از انقلاب ایران و هدفهای انقلاب آگاهی درستی نداشتند پس از پیروزی انقلاب همچون گذشته به ارتش نگر بستند و گمان بردند که این نهادی است تنها در خدمت گذشته ها و ساخته شده برای آنچه درهم شکسته شده است و ناگزیر ضدمردمی است و باید از میان بروده در حالیکه آگاهانه دم از میان بردن ارتش می زدند ، کسانی آگاهانه روشهای نادرست را پیش گرفتند تا بر جدائی ها که به اندازه کافی وجود داشت دامنه گسترده تری بدهند ، کسانی هم ندانسته با وجود اعتقاد به انقلاب اسلامی ملت ایران و با وجود اعتقاد به اینکه این انقلاب باید سازمان دفاع کننده و توانایی داشته باشد ، شیوه های نادرستی را در اداره کردن و قدرت بخشیدن به این نهاد پیشنهاد می کردند که به کار گرفتن این پیشنهادها همان ضربه هایی را بر ارتش زد که دلخواه کسانی بود که نمی خواستند ارتش بماند و به هنگام خود وظیفه شایسته ای را در برابر ایران ، در برابر آینده ایران و در برابر دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران ایفا کند . از همان روزهای نخست این غلط کاریها آغاز شد در گرونی پرسنل بدون توجه به یک ضابطه روشن و بیشتر بر اساس سابقه آشنائیها عملی گردید و روابط خاص بازنشستگی در حاشیه همان روابط خاصی که برای تهی کردن ارتش از وجود آنها می توانستند جدول ارزشهای نور را بپذیرند صورت پذیرفت ، گوا اینکه بطور کل بافت بازنشسته کردن را شکل تصفیه دادن خود یک کار نادرست بود و این خود نادیده گرفتن ارزش کسانی بود که سالها

بخاطر ملت و میهن کار کرده بودند و با یک عمر نیکنامی به افتخار بازنشستگی رسیده بودند. بطور کلی شکل این بازنشستگی یعنی بازنشستگی در این هـرم بصورت افقی کار غلطی بود و اگر بایده که کسانی از ارتش زیر این نام جدایی شدند این جدایی بایده شکل عمودی انجام می گرفت گرچه در سطح بالا بودند تعین داد زیادی که به رژیم گذشته بستگی داشتند ولی به هر حال در سطح پائین حتی در میان درجه دار هـام چنین کسانی یافت می شدند که از همان آغاز شعارهای بی با درون مایه ای نادرست همچون شورا سازی و کمیته سازی را سردادند. همان کسانی که تا دیروز در زشتی های حاکم بر ارتش شرکت داشتند داخل کمیته ها، شوراها نفوذ کردند. بگذارید روشن تر بگویم این کمیته ها و این شوراها بدست کسانی شکل گرفت که نه به علت دوری از رابطه های گذشته بلکه به علت ناتوانائیها و ناشایستگی هائی که حتی در آن نظام هم خریداری نداشت دور از جریان مانده بودند و به این ترتیب این کمیته ها، این شوراها، بیشتر بدست ناتوانان ارتش پدید آمد تا به گمان خود ارتش را براه درست هدایت کنند و سرانجام پاره ای ندانم کاریهای کسانی که امروز داعیه خدمتگزاری دارند، کسانی که خود را نامزد مقامهای بسیار بالا هم کرده اند، دانسته یا ندانسته ارتش را از کار آبی انداختند.

زمانیکه انقلاب رخ داده بود و ساختمان کهن باید فرو میریخت و ساختمان نوبجای آن استقرار می یافت که در این دگرگونی پیدا بود، درگیری های بسیار خواهیم داشت. پیدا بود که ما با توطئه های امپریالیستهار و برو می شویم، پیدا بود دشمنان مادر همسایگی و در دورتر همه نیروی خود را بر ضد ما بسیج خواهند کرد. متأسفانه تصمیمهای گرفته شده که ارتش را به ناتوانترین حد رسانیدند، تصمیم به یکسال کردن خدمت نظام، ارتش را یکبار تهی کرد، اگر در میان فرماندهان رده بالا افسران و درجه داران، خیانتکاران وابسته به نظام گذشته بودند که تصور خطر از ناحیه آنها میرفت قبلاً کنار گذاشته شده بودند پس این تصمیم درباره سربازان از چیه نیتینی مایه میگرفت مگر در رونید انقلاب یکی از سربازان تصمیمی بر ضد مردم، از خود و با اراده خود گرفته بود؟ آمدند خدمت نظام وظیفه را یکسال کردند و توانائی ارتش را حداقل به یک چهارم آغاز آن رساندند. ما با پادگانهای روبرو شدیم که تعداد افسران و درجه داران بمراتب از تعداد سربازان آن بیشتر بود و من در روزهای سختی دیدم افسران جوان و درجه داران سالمند

که تفنگ بدوش گرفتند و پاس دادند تا ارتش را نگهدارند، این خیانت را کسانی کردند که میدانستند انقلاب ایران بکجا میرود و چه نیازهایی دارد و با تصمیماتی که ظاهری مردمی داشت ولی برای آینده ارتش بسیار خطرناک بود، من در هیئت وزیران بهنگام تصمیم گیری در این مورد با قاطعیت گفتم و امروز میگویم تنها وزیر بودم که با این تصمیم غلط مخالفت کردم و در صورت جلسه هم واداشتم که قید شود.

این تصمیم به ظاهر برای راضی کردن جوانان بود مگر این جوانان میخواستند بکجا بروند و چه کاری انجام بدهند که ارزش آن از خدمت سربازی گران بها تر و مایه رضایتشان باشد.

جز اینکه به خیل میلیونی بیکاران کشوری پیوستند، بگش آنها که پیشنهاد دهنده و پذیرنده این کار غلط بودند، نه تنها به ارتش نیندیشیدند، بلکه بوضع کشور هم نیندیشیدند، به سرنوشت همان جوانهایی که میخواستند رضایت آنها را جلب کنند هم نیندیشیدند اگر دیپلمه بودند به پانصد هزار دیپلمه بیکار افزوده شدند و هنوز هم افزوده میشوند اگر غیر دیپلمه بودند به خیل بیکاران پیوستند، بیکارانی که با نبودن برنامه های آبادانی و ازکار افتادن چرخهای اقتصادی خیل بیشتری را تشکیل میدادند. از جمله اینگونه تصمیم گیریهای غلط محلی کردن پرسنل ارتش بود یعنی فرستادن درجه داران، افسران به شهر و زادگاهی که می خواستند و پادگانی در آن وجود داشت. در همه جای دنیا ارتش ملی و انتخاب محل استخدام در ارتش، چه در بزرگترین ارتش های دنیا و چه در کوچکترین آنها هرگز بدخواه، افسر یا درجه دار و یا سربازی نیست زیرا که این استقرار باید بر حسب نیاز ارتش انجام گیرد، نه بدخواه پرسنل و این آسیب های وارده در شکل های گوناگون به ارتش بطور غیر مستقیم پیوسته به ملت نیز داده شد ارتشی که در برابر ایمنی و روشهای غلط روحیه افسران و درجه داران آن بحد کفایت پائین آمده بود، دیگر چه میهن و افتخار نمی اندیشیدند، و با آسودگی و درکنج خانه بسر بردن بیشتر دلبستگی داشتند. نتیجه این شد که امروز می بینیم برای مثال با اینکه لشکر خراسان یک لشکر زرهی نیست لذا پرسنل زرهی تا میزان هزار و دویست نفر افزایش یافته است ولی در غرب کشور ما برای استفاده از تجهیزات و وسایل زرهی ارتش پرسنل کافی نداریم و این وسایل و تجهیزات در گوشه پادگان ها بلا استفاده مانده اند.

بارها گفته ام که در دوران سازندگی انقلاب دست اندرکاران حکومت ناتوانی و ناشایستگی نشان داده و امروز در همه زمینه ها با نابسامانی و میتوان گفت با شکست

روبروهستیم و ارتش نمونه بارز آنست که روبه انهدام است. نهادی که زهبر انقلاب از روز نخست پیروزی، همه نیروی خود را برای توانائی آن بکار انداخته بارها فرمان داد که آنرا نیرومند بسازیم، بارها نیاز بوجود آنرا تاکید کرد ولی می بینیم هنوز ارتش، آن نیست که باید باشد.

در حالیکه زهبر انقلاب هرگز از شکل خاصی برای ارتش سخن نمی گفت چگونه کسانی بخود جرات دادند و اصطلاح جامعه بی طبقه توحیدی را که معلوم نیست از کجا آموزشهای اسلامی بوسیله این تازه بدوران رسیده هابیرون کشیده شده، بکار بردند همه میدانیم رهبر انقلاب همواره بر لزوم سلسله مراتب و نظم در ارتش پافشارده و سرانجام چندی پیش در دیدار با پرسنل شهربانی یزد آشکارا بر روی این اصطلاح من در آوردی خط بطلان کشید و اعلام نمود: "گاهی دیده میشود که بعضی از افراد منحرف در بین پرسنل هیای شهربانی یا در بین درجه داران این است که به آنها میگویند که حالا انقلاب شده است و طاغوت از بین رفته و جمهوری اسلامی آمده است دیگر درجه دار و افسر و سرباز ندار داین تبلیغات را در اذهان جوانان انداخته اند جامعه توحیدی به آنطور که آنها میگویند یعنی جامعه هرج و مرج همه یا باید مثلا سر لشکر یا همه سرباز لازم تمدن آنست که درجات باشد یکی فرض کنید مهندس باشد یکی دکتر باشد یکی سرگرد اگر این را بردارید و بخواهید جامعه توحیدی به آن معنادرست کنید برگشت به توحش است معنایش یک جامعه حیوانی است در غیر حیوان ما جامعه توحیدی نداریم حیواناتها هم یک جور نیستند اگر مقصود این معنا جامعه توحیدی است جامعه توحیدی در بشر تا کنون وجود پیدا نکرده است الا آن وقتی که وحشی بودند." می بینید که چگونه امام رسوا مینماید کسانی را که به انقلاب رنگ خاص میزنند. و می خواهند بدخواه خود همه چیز را فرو بریزند و لابد حتی غیر نظامی هابینبر در و دیوار شهر شعار ارتش بی طبقه توحیدی را خوانده اند، به گفته امام خمینی این شعار را از آن کسانی است که فقط خواهان توحش و هرج و مرج هستند نه نظم و نه نیروی سازمان یافته ای که بتواند به هنگام خود ازمای و از هستی ما و از فرهنگ ما دفاع کند، اکنون باید که بر همه این زشتیها نقطه پایان نهاد در گذشته غلط کاری بسیار بوده است: اطاعت کورکورانه بوده است و بسیار غلط بوده است روابط خاص بوده است و بسیار غلط بوده است ارتش را برای یک فرد و برای دفاع از یک فرد و برای کوبیدن مغزها بجای دفاع از مرزهای می ساختند و بسیار غلط میکردند ولی امروز نباید که راه حلهای نادرست و زشت برای پاکسازی و آماده سازی ارتش پیش بگیریم، ما باید که راه حلهای درخور انتظاری که

از آن داریم ، درخور مسیر انقلاب می خواهیم و به عبارت روشن تری اکنون که نظم جمهوری اسلامی ایران شکل قانونی گرفته است ارتش برای انجام وظیفه ای که در این قانون اساسی عنوان شده برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ساخته شود ، و اینکار نیاز به راه حل هایی منطقی دارد و کسانی که می خواهند زمام کشور را بعهده بگیرند نمیتوانند نسبت به این نهادهای ضروری برای بقا و هستی ملت بی تفاوت و بی برنامه باشند ، من بی آنکه به تخصص وارد شوم بی آنکه مانند بسیاری از داعیه داران خود را همه چیز دان بدانم اعتقاد دارم دنیای امروز دنیای کارگروهی ، کارسازمانی و کار تخصصی است و اعتقاد دارم ارتش یکی از پیچیده ترین سازمانهای علمی در دنیای نو است و اعتقاد دارم که یک نظامی باید از دانش بسیاری برخوردار باشد تا یک نظامی درست و یک ارتشی واقعی باشد . نقطه نظرهایی را با رایزنی یا رانم برگزیده ام که که یسار آوردمیشوم .

ارتش نمیتواند از سیاست کشور بدور بماند ، یعنی اینکه کاربرد ارتش را سیاست کشور برمیگزینند ، در گذشته کشور ما خوان یغمای امپریالیست ها بوده همه نهادها در خدمت بیگانه بکار گرفته میشد ، حتی شخصی که ارتش پاسداری او را بزرگترین وظیفه میشناخت خود در خدمت بیگانه بود ، پس استراتژی اصلی ارتش مادر پیوند با استراتژی سیاسی وابسته بود ، کشور ما خوان یغمای امپریالیست های غربی گرچه اندکی هم غیر غربی بود ، وظیفه ارتش هم دفاع از این امپریالیست ها در سطح منطقه در رابطه با سطح جهانی بود ، ارتش و همه ارتش های کشورهای پیوسته به سنت و وظیفه دفاع پهلو شرقی پیمان ناتو را داشتند و پهمین دلیل است که می بینید بیشترین قدرت ارتش از لحاظ ززمی در غرب کشور و در دامنه زاگرس قرار گرفته ، اما امروز ما در میان ابر قدرت های یک سیاست همراه با استقلال را پیروی میکنیم بعبارت دیگر استقلال و وابستگی نخستین اصل سیاسی ملت ما است ، پس کاربرد ارتش هم با این اصل دگرگون میشود ارتش ما در چهار گوشه ایران و در برابر هر ابر قدرتی باید که استراتژی دفاعی خود را داشته باشد بنا بر این سازمان دادن یکانهای ارتشی و تعیین قرارگاه های آنها باید با توجه باین سیاست و ویژگیهای سرزمینی ، طول مرزها و قدرت نظامی کشورهای همجوار تعیین شود ، اینکه بسیاری پیش خود نفرات ارتش را بصورت گویهای بازیچه کودکان بالاپائین میبرند ، اظهار میدارند که ما ارتش چهار صد هزار نفری نمی خواهیم ما ارتش صد هزار نفری می خواهیم زیرا که نیاز آن نداریم زیرا که با کسی سر جنگ نداریم یا ما نیروی دریائی شصت هزار

نفری نمی خواهیم بیست هزار نفر کافی است با چه میزانی این طرح ریزیها را میکنند . از آنجا؟ و کی؟ این تیشه ها را بدست آنها میدهند که ریشه استقلال ایران را بزنند . جای بسیار سخن است ارتش باید که در رابطه با کاربرد آن با توجه بطول مرزها و قدرت نظامی همسایگانی که هریک بالقوه نیروی تجاوز گربه میهن ما است از شیایی شود و توانایی آن بر این پایه استوار گردد و هم از لحاظ نفروهم از لحاظ جنگ افزار با چنین حالتی باشد من نمی گویم و آرزو پروری نمی کنم که ما باید ارتشی داشته باشیم که از روی هوس بگوئیم ارتش سرخ را چنین و چنان خواهد کرد ، امپریالیسم آمریکا را در خلیج فارس فرو خواهد برد ، بی شک ملتی بیاری ارتش ملی میتواند در برابر بزرگترین ابـر قدرت‌ها ایستادگی بکند و اگر اینکه پیروز نشود دست کم مردانه و شرافتمندانه بماند ، ولی توجه داشته باشیم که اگر ابر قدرت‌ها نتوانند ما را به دست خود براندازند و سیاست جهانی چنین فرصتی ندهد ، همواره آنها را میتوانند در یک جنگ منطقه ای برضد ما برانگیزند پس میزان توانایی ارتش باید با میزان توانایی کشورهای همسایه در سنجش باشد و برابر آن تهیه شود ، هم از لحاظ نیروی انسانی ، هم از لحاظ جنگ افزار و تجهیزات ما نمیتوانیم در کنار عراق هواپیمایی داشته باشیم با نیرو و کاربرد کمتری از نیروی هوایی عراق ، ما نمیتوانیم در کنار پاکستان و در کنار کشورهای عربی که از آن سوی خلیج فارس به ما چنگ و دندان نشان می دهند این برابری قدرت را به خاطر مردم فریبی برهم بزنیم و کسانی که چنین می کنند به لحظه های اندیشمند و برای شخص خود می اندیشند ، به آینده ایران نمی اندیشند و هرگز به دفاع از انقلاب نمی اندیشند ، زیرا امروز آینده ایران و آینده انقلاب اسلامی ملت ایران بی شک به هم پیوند ناگسستنی دارد . بدانید کسانی که گمان می برند ممکن است انقلاب دچار شکست شود و ایران بماند سخت در اشتباهند امروز در اثر انقلاب ، امپریالیست‌ها به نیروی نهفته ملت ایران پی بردند - اگر توانایی یافتند که انقلاب را درهم بشکنند کیازی خواهند کرد که این نیروی نهفته توانا از حرکت بایستد و برای همیشه از پای در افتد .

و این عمل شوم فقط از راه تجزیه ایران و نابودی ایران میسر است زیرا تاریخ نشان داده ملت ما تا هست هر چند گاه سرمیکشد و با استقلال و توانایی شگفت آفرین میشود پس گذشته از آماده سازی ارتش با الهام از سیاست ملی در راه استقلال بود و هیچ وابستگی سازمان دادن یکانهای ارتشی و جایگاه استوار آنها نباید با توجه به ویژگیهای سرزمینی ، طول

مرزها و قدرت نظامی کشورهای هم جوار انجام گیرد و انتصابات صحیح در ارتش از راه - ایجاد صوابط منطقی نه رابطه - جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه ها باید تابع ضابطه ها باشد . این ویژه نظام درهم شکسته گذشته بود که افسری به درجه ارتشیدی - هم می رسید بی آنکه پا از تهران بیرون گذاشته باشد و گاه حتی بی آنکه دوره های آموزشی لازم را دیده باشد سپهبد خرواشی ها چه بودند ؟ جز تفاله هایی که با رابطه های خاص بدانجا رسیدند ، اگر امروز هم قرار باشد در ارتش ما رابطه ها با اعتباری - حکومت کند ، باز هم سر نوشت ارتش همانست که در گذشته بود و در بزنگاهها هرگز نباید روی چنین ارتشی که با رابطه ها ساخته شده حساب کنیم ، باید ضابطه درستی آفرید . بایستی در انتصابات از معیارهای قدرت فرماندهی و رهبری ، دانش نظامی ، میزان مدیریت ، تقوا و پرهیز گاری تخصص و تجارب با دقت و بی نظری خاص استفاده شود خود کفایی یگانها با توجه به رده فرماندهی و ویژگیهای سرزمینی ، من امروز در غرب که وظیفه ای به عهده دارم - می بینم بسیاری از ناتوانیها و نارسائیها با تمرکز های بیجا و وابسته بودن یک یگان به یگان دیگر در زیر پوششی که توانائی حمایت از آن واحد را به هنگام ندارد چه آسیب های فراوان پدید آورده است و جایگزینی تاکتیک ، دکترین و فرهنگ نظام بر مبنای ارزشهای ملی ، ارزشهای که از فرهنگ ملی مایه گرفته از آموزشهای والای علمی بر آن حاکم باشد به جای تکنیک ها و دکترین وابسته به فرهنگ استعماری . برای آماده سازی ارتش ، تامین جنگ افزار ها و تجهیزات ضرورت قطعی دارد ارتش ما در گذشته یک ارتش وابسته بوده است ما امروز از این وابستگی رنج بسیار میبریم . اگر نمی توانیم بی درنگ این وابستگی را قطع کنیم و در نتیجه شاید هفتاد و پنج درصد جنگ افزار های ما هم اکنون از کار افتاده اند ، دست کم باید سیاستی در پیش گیریم که وابستگی را بحد اقل برساند و از طرق گوناگون جنگ افزار های مورد نیاز را با هر سرعت و تا هر قیمت که در توان داریم فراهم کنیم . این یک خطر بزرگ است و نباید آن را سرسری گرفت ، باید با تکیه بر توانیهای مالی کشور به سرعت منابع جدیدی برای تامین جنگ افزار بدست آورد و ارتش را به نحو کامل تجهیز نمود و به دوران وابستگی آن به یک یا دو کشور خاص پایان داد . ارتش باید نشود با جنگ افزار های نوه رچه همسایگان بدست می آورند مفید تر و پرتوان تر آن را ما باید بدست آوریم استفاده از دانش نظامی تجارب و تخصص ، من پیروز در پیادگان ارومیه برای درجه داران و افسران سخن می گفتم شاید در میان شما کسانی نشسته باشند که تا حد میلیون و میلیونها برای پیدا کردن دانش و تجربه خرج برداشته باشند اما امروز باید باین نکته ها توجه کرد

من در برنامه خودگفتم . یکی دیگر از رسالت‌های انقلاب آن است که مردم بهره‌مند از نظام گذشته زابه دو صف تقسیم می‌کند ، یکی صف آنان که کارآمد و صاحب توانائیهای سازنده اند و از این رهگذر به توفیق رسیده اند ، این گروه نباید از انقلاب بهر اسند و نمی‌هراسند .

اینان را باید بسوی این باور گسیل داشت که میتوانند با پذیرش جدول ارزشهای نودرپی ریزی ساختمان تازه سهمی و نقشی داشته باشند . این گروه شاید در آغاز انقلاب بدور یا حتی در نهان روبروی آن بایستند ولی نظام اداره کننده انقلاب باید با درپیش گرفتن روشهای سنجیده ، اندیشه آنان را بسوی انقلاب و سازندگی انقلابی گرایش دهد ، آگاهشان سازد که پدید آمدن ارزشهای نوبه معنای فنای آنان نیست بلکه برعکس به معنای بازتر کردن میدان ابتکار و عمل است و آنان هم در این میدان پهناور - می‌توانند دستی و سهمی شایسته داشته باشند .

ایجاد رابطه معنوی بین ارتش و مردم ، مردم آنروز با ارتش رابطه نداشتند و با آن احترام نمی‌گذاشتند زیرا که آنرا از خود نمی‌دانستند ، لیکن امروز چنین نیست این ارتش از آن مردم است و مردم نیروی پشتیبانی کننده بی پایان این ارتش ، پس باید رابطه معنوی بین ارتش و مردم برقرار شود و اعتلا حیثیت و شرافت سربازی با حداکثر تلاش صورت گیرد . ارتش اگر مورد قبول مردم نباشد ، اگر متکی ب مردم نباشد ، اگر مورد احترام مردم نباشد ، هرگز نخواهد توانست وظیفه خود را انجام دهد ، با قرار گرفتن ارتش در - جایگاه خود با کاربرد آن در هنگامهای درست ، خود به خود این احترام و این شخصیت و افزایش حیثیت پدید می‌آید و همه نیروهای میهن دوست ، همه استقلال طلبان و آزادیخواهان باید همه نیروی خود را در بالابردن شرافت سربازی احترام به ارتش و اعتلای حیثیت ارتشیان بکار اندازند ، گفتیم که ارزشهای گذشته ارتش اطاعت کورکورانه بود که این باید برچیده شود اما به جای آن بایستی انضباط آگاهانه جایگزین گردد نمی‌شود که ارتش باشد و انضباط نداشته باشد ، نمی‌شود که ارتش باشد و در میدان رزم بر سردرستی یا نادرستی تصمیم ، زیر دست با بالادست به چون و چرا بنشینند . اما باید که همه در ارتش در هر سطحی آگاه باشند که چه می‌کنند ، به کجا می‌روند و به خدمت کی هستند و این همان انضباط آگاهانه است که باید آن را از راه توجیه درست انقلاب ، توجیه درست دست آوردهای انقلاب ، توجیه درست هدفهای انقلاب و هدفها و سیاستهایی که برای آینده ایران هست ، آن اطاعت کورکورانه گذشته را بدل کرده انضباط آگاهانه ای که تا ارتش را به

یک جمع آرمانخواه توانا برای دفاع از ایران تبدیل کند. آنها که شعارهای ابلهانه یابه گفته امام توحش‌گرایانه زامی دادند و جامعه "ارتش بی طبقه توحیدی" را می‌خواستند متأسفانه همه جادست بر روی تبعیض‌ها و رابطه‌ها و حتی ضابط‌های غلط گذاشتند، پس باید که همه این ضابطه‌ها و رابطه‌ها دگرگون شود و با جدول ارزشهای انقلاب سازگار گردد. تکیه بیش از اندازه به ورقه‌ایکه با تحصیل بدست آمده است و نادیده گرفتن تجربه سالیان دراز پرسنل ارتش یکی از اشتباه‌ها بوده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران به تجربه، استعداد و توانایی برای پیشرفت باید احتیاطاً گذاشت. بخشی که از رهگذر اشتباه گذشته سخت آسیب دیده است، پژمرده و ناامید شده بخصوص درجه داران ارتشی هستند، و چرا باید اینها که سالیان دراز در سخت‌ترین شرایط تجربه می‌اندوزند توانایی آنرا نداشته باشند که با ضابط‌هایی روشن و با گرفتن آموزشهای ضمن خدمت بدرجه افسری برسند؟ در بسیاری از ارتشهای دنیا این قاعده پریاست و این قاعده با ضابطه‌های نظام جمهوری اسلامی ملت ایران نیز سازگار است، کسانی که خاطرات چرچیل را به عنوان یک سیاستمدار بزرگ گرچه که دشمن ملت ما نبود خوانده اند. در روزهای نخستین جنگ جهانی دوم بیاد می‌آورند آنچه زاپیرامون بازدید خود از نیروزی دریایی انگلستان می‌گوید. می‌گوید دیدم که آثار پژمردگی بر چهره ناویان نشسته است، پرسیدم و در جواب گفتند زیرا آنان نمی‌توانند به درجه‌های بالاتر ارتقا یابند و میدان ترقی را در برابر خود کوتاه و کم دامنه می‌بینند. به همین دلیل است که نه تنها باید دامنه ترقی و پیشرفت برای افسران توانا و با استعداد ما بازماند، بایستی با ایجاد ضابطه‌های جدید دامنه پیشرفت تا بالاترین سطح برای درجه داران هم فراهم شود. وجه افسر و چه درجه دار در صورت داشتن استعداد و علاقه در دانشگاهها و مدارس عالی کشور در جهت بالاتریدن دانش خود قادر با دامنه تحصیل باشند و سرانجام ما می‌شنیدیم که در گذشته بالاترین حقوقها و بیشترین امتیازها را به پرسنل ارتش چه افسر و چه درجه داری می‌دهند اما اکنون که با حقیقت روبرو می‌شویم می‌بینیم که اگر چنین هم بوده است برای کسان خاص، برای گاردیها، برای آنان که به خدمت "شخص" نزدیک تر بودند چنین امتیازهایی داده شده است در حال حاضر بوضوح دیده میشود که اکثر پرسنل ارتش از لحاظ زندگی مادی در وضع نامناسبی هستند بخصوص از لحاظ مسکن، به همین دلیل باید که همه یکانهای در قرارگاه‌های اصلی خود حتماً خانه‌های سازمانی برای همه رده‌ها داشته باشند.

و نیز باید که در اندیشه آینده آنها هم بود و برای آنها هم تأمین پدید آورد، سرانجام از آنجا که از نظام گذشته کدورت‌های زیادی بردل این سربازان میهن نشسته است باید که نظام جمهوری اسلامی ایران نه تنها آغیاری برای این کدورت‌ها نیافزاید، بلکه باید با بر آوردن خواست‌های فردی و گروهی آنها و گرفتن این حالت به خود که ناظر سرنوشت یکایک آنها و خانواده آنهاست، آنها را به نظام جمهوری اسلامی ایران پایبند کند. چنین نتیجه می‌گیریم که در نظام جمهوری اسلامی ایران آنها که به آینده میهن - میاندیشند آنها که انقلاب را در معنای راستین آن شناخته اند، بقای استقلال، بقای تمامیت ارضی را در وجود یک ارتش نیرومند میدانند و ما هم باید در ساختن یک ارتش نیرومند کمک کنیم. نیاید تصور کنیم که ارتش‌های کوچک نمیتوانند از میهن خود دفاع کنند، تاریخ نظامی جهان نمونه‌های بسیاری را نشان داده است که ارتش‌های کوچک با تکیه ب مردم و با پیش گرفتن تاکتیک‌های درست در برابر قدرت‌های بزرگ به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته اند و ما باید ارتش خود را با چنین روحیه ای گرامی بداریم ارتشی که باید نگهدارنده استقلال و تمامیت ارضی ایران باشد، ارتشی را که نیرومندی و همبستگی ملی مادر نیرومندی و توانائی آنست.